

بررسی نقش جرات ورزی و خودآگاهی در پیش بینی عملکرد جنسی زنان

فاطمه بای^۱، فاطمه بهرامی^۲، مریم فاتحی زاده^۳، سید احمد احمدی^۴
و عذرا اعتمادی^۵

دریافت مقاله: July 17, 2013
پذیرش مقاله: Nov 11, 2013

رابطه ی جنسی، بخش مهمی از رابطه ی زناشویی است به گونه ای که هر مشکلی در رابطه ی جنسی بر رابطه ی زناشویی و هر مشکلی در رابطه ی زناشویی بر رابطه ی جنسی، تاثیر گذار است. جرات ورزی به عنوان توانایی اعمال علایق و ایستادگی بر آن، بدون داشتن اضطراب و زیر پا گذاشتن حقوق دیگران و آگاهی جنسی به عنوان ارزیابی فرایندهای توجه در رفتار جنسی (خودتمرکز جنسی و شرم) می تواند روابط جنسی و زناشویی را تحت تاثیر قرار دهد. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش جرات ورزی و خود آگاهی در پیش بینی عملکرد جنسی زنان بود. بدین منظور، در یک طرح همبستگی، ۱۲۰ نفر از زنان متأهل مراجعه کننده به مرکز مشاوره ی شهرستان گنبد با روش نمونه گیری در دسترس، انتخاب و از نظر جرات ورزی جنسی خود آگاهی و عملکرد جنسی، مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج تحلیل رگرسیون چند گانه ی گام به گام نشان داد که بین جرات ورزی، خود آگاهی جنسی و عملکرد جنسی، همبستگی معناداری وجود دارد، همچنین، مدل فراهم شده نشان داد که ۳۵ درصد تغییر در نمرات عملکرد جنسی توسط جرات ورزی و خود آگاهی جنسی تبیین می شود. نتایج پژوهش حاصل نشان داد که زنان یا جرات ورزی جنسی بالاتر و خود آگاهی جنسی کمتر، عملکرد جنسی بهتری دارند.

واژه های کلیدی: جرات ورزی جنسی، خود آگاهی جنسی، عملکرد جنسی زنان

مقدمه

طبق راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی، اختلال جنسی زنان شامل اختلالات تمایل جنسی بازداری شده، برانگیختگی، درد و بیزاری، ارگاسم و واژینیسم است که بیش از ۴۰ درصد

۱. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده ی مسؤول) fatemeh.bay@gmail.com

۲. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، ایران

۳. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، ایران

۴. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، ایران

۵. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، ایران

زنان، آنها را تجربه می کنند (کینگس برگ و آلتوف، ۲۰۰۹). کمک موثر در زمینه ی بهبود مشکلات جنسی، می تواند روی سلامت کلی جمعیت بزرگسالان تاثیر وسیعی بر جای گذارد. هنگامی که در یک رابطه ی زناشویی، ناکارآمدی جنسی وجود داشته باشد، ۵۰ تا ۷۰ درصد رابطه را تحت تاثیر خود قرار می دهد (مک کارتی، ۱۹۹۹). تخمین های موجود نشان می دهد که حداقل ۴۳ درصد زنان، از یکی از مشکلات جنسی شاکی هستند (روزن، براون، هیمان، لیلام، مستون، شبسیک، فرگوسن و داگوستینو، ۲۰۰۰). رابطه ی جنسی بخش مهمی از کل رابطه ی زوجین است و گاهی اوقات، مشکلات جنسی جزئی از مشکل است؛ در چنین حالتی، مشکلات جنسی، ممکن است به موازات بهبود رابطه ی زناشویی در جریان خانواده درمانی یا درمان زناشویی از بین برود و در سایر موارد، ممکن است مشکلات جنسی مشکل اولیه یا مشکلی جداگانه بوده لازم باشد درمان خاصی برای آن در نظر گرفته شود.

اصطلاح جرات ورزی، به عنوان یک احساس روانی- اجتماعی نسبت به ادراک یا تفسیر شخصی فرد در مورد نحوه ی ابراز وجود احساساتش در روابط زناشویی، تعریف شده است (عباسی و سینگ، ۲۰۰۶). تولور، کلی و استینس (۱۹۷۶) جرات ورزی را تحت عنوان توانایی افراد در جهت اعمال علایق خود و ایستادگی بر آن، بدون داشتن اضطراب و ابراز حقوق خود بدون زیر پا گذاشتن حقوق دیگران تعریف می کنند. در بسیاری از جوامع، زنان در جراتمند بودن خود مشکل داشته و عزت نفس پایینی دارند، بنابراین برایشان دشوار است که نیازهای خود را ابراز یا استقلال فردی خود را در رابطه ی زناشویی حفظ کنند. عوامل متعدد و گوناگونی در هر جامعه باعث شکل گیری و تشدید این وضعیت برای زنان می شود. یکی از مسایلی که به صورت ناخودآگاه باعث پامال شدن حقوق زنان و درماندگی آنها در جامعه می شود، مربوط به افسانه ها و باورهای غلط جنسی و جنسیتی رایج در جامعه است.

پژوهش مولنهارد و هولوپوگ (۱۹۸۰؛ از کولیک، ۲۰۰۳) نشان داد که چگونه بسیاری از زنان در رابطه ی جنسی ناهمجنس خواه از طریق گفتن "نه" بله می گویند. مطالعه ای، در اواخر سال ۱۹۸۰ روی ۶۱۰ نفر از زنان اجرا شد و سوالی که مطرح شد، این بود که آیا اتفاق افتاده است در همان حالی که به داشتن رابطه ی جنسی تمایل دارند به درخواست انجام آن جواب "نه" بدهند؟ ۶۸/۵ درصد این زنان گزارش داده اند که "نه گفتن" آنها به معنای "شاید" بوده است و ۳۹/۳ درصد آنها اظهار داشتند که نه گفتن آنها به معنای "بله" بوده است. این زنان، پاسخ دادند که آنها از ترس بی

قید و بند به نظر رسیدن در امور جنسی یا به دلیل کنترل کردن همسرشان که از قبل از او ناراحتی به دل داشته یا عصبانی بودند یا برای اثبات اقتدار جنسی و جسمی خود، از ارایه ی پاسخ صریح «بله» خودداری می کرده‌اند.

شفیعی (۲۰۰۵) بر پایه گزارشی از شوارتز و بلوم اشتاین (۱۹۸۳) نقل کرده است که ۵۱ درصد از مردان و ۴۸ درصد از زنان متاهل، مردان را آغازگر رابطه ی جنسی می‌دانستند و فقط ۱۶ درصد از مردان و ۱۲ درصد از زنان، زنان را آغازگر رابطه ی جنسی می‌انگاشتند. زنان، به این دلیل که نیاز مردان را در اولویت می‌پندارند، گمان می‌کنند نمی‌توانند تمایلات جنسی شان را بیان کنند. از زمانی که زنان، نحوه ی آمیزش جنسی^۱ را آموزش می‌بینند و حتی در زمان تامل کردن در ابراز تمایل جنسی، اولویت را در لذت مردان می‌بینند و این امر، برای بسیاری از افرادی که بی میلی جنسی یا واژینیسم^۲ دارند، تجربه جالبی نیست (دریو، ۲۰۰۳). افرادی که مشکلات جنسی دارند معمولاً اعتماد به نفس پایین تری داشته، مضطرب و نگران ترند (لارنت و سیمونز، ۲۰۰۹؛ کاتز و جاردین، ۱۹۹۹).

بر اساس مطالعه ی اپت و هالبرت (۱۹۹۳)، زنانی که دارای جرات ورزی جنسی بالاتری هستند در تمام ۵ مورد؛ یعنی فراوانی فعالیت جنسی، تعداد ارگاسم، تمایل جنسی، رضایت جنسی و رضایت زناشویی، نمره ی بالاتری کسب می‌کنند. خودآگاهی، شامل دو مولفه ی خودتمرکزی و شرم است. ون دن هوت و بارلو (۲۰۰۰) متوجه شدند که یکی از فرایندهای آسیب زا در افراد ناکارآمد، فرایند توجهی، تمرکز بر نگرانی‌های مرتبط با عملکرد است. با توجه به مدل پردازش اطلاعات اختلالات جنسی، سوگیری توجه، وضعیت مهمی را در ناکارآمدی جنسی اشغال می‌کند و خودآگاهی جنسی، می‌تواند عاملی آسیب‌زا در ایجاد اختلال جنسی باشد. افراد دارای ناکارآمدی جنسی، به طور معمول مجموعه ای از باورهای جنسی غیرواقع‌بینانه، نادرست، خشک و انعطاف ناپذیر دارند و حواسپرتی‌های شناختی از نشانه‌های جنسی، به شدت با ناکارآمدی جنسی زنان (نوبر و پیئتو-گوویا، ۲۰۰۰) و رضایت و اعتماد به نفس جنسی کمتر (داو و ویدرمن، ۲۰۰۰) ارتباط دارد. پراس، جانسن و هتربیک (۲۰۰۸) در تحقیقی که روی ۶۸ شرکت‌کننده (۳۶ زن و ۳۳ مرد) به منظور اندازه‌گیری میزان توجه ی آنها به محرک‌های جنسی براساس مدل‌های پردازش اطلاعات انجام دادند، بدین نتیجه رسیدند که افراد با تمایل جنسی بالاتر، توجه ی بیشتر و

1. Sexual intercourse

2. Vaginism

3. Attentional

هیجانان لذت بخش تری را نسبت به محرک جنسی نشان می‌دادند. مستون (۲۰۰۶) اولین کسی است که به شکل تجربی، تاثیر القای خودآگاهی جنسی بر پاسخ جنسی فیزیولوژیکی زنان سالم و مبتلا به اختلالات جنسی را سنجیده است. او در تحقیق خود دریافت که هر چه افراد، خودآگاهی بیشتری را در بافت جنسی تجربه کنند، به احتمال زیاد پاسخ‌های برانگیختگی جنسی آنها در معرض آسیب بیشتری خواهد بود. درواقع هر چه افراد سطح خودآگاهی عمومی بیشتری را گزارش می‌دادند، سطح بالاتری از درد جنسی را نیز تجربه می‌کردند و توجه ی متمرکز بر خود به طور معناداری پاسخ‌های واژینالی را کاهش می‌داد. به دنبال این تحقیق، ون لانک ولد و برگ (۲۰۰۸) به بررسی ابعاد موثر وضعیت و صفت توجه متمرکز به خود روی برانگیختگی جنسی زنان پرداختند. نتایج تحقیقات آنها نشان داد زنانی که در زمان القای وضعیت متمرکز بر خود، نمرات بالاتری را در صفت متمرکز بر خود دریافت می‌کردند پاسخ‌های تناسلی ضعیف تری را نیز گزارش می‌کردند.

سپس برویر، ترکویل و لن (۲۰۰۹) تاثیر ارزیابی محرک جنسی را روی برانگیختگی جنسی ۵۰ نفر از زنان با مقاربت دردناک سطحی و بدون مقاربت دردناک بررسی کردند، در این مطالعه از یک قطعه فیلم شهوانی استفاده شد که قبل از مشاهده ی آن، شرکت کنندگان آموزش‌هایی را دریافت می‌کردند. در یک گروه، آموزش‌ها، متمرکز بر درد تناسلی و در گروهی دیگر آموزش‌ها متمرکز بر لذت جنسی بود و برای گروه کنترل هم یک دستورالعمل خنثی استفاده شد. همانطور که پیش‌بینی شده بود، ارزیابی محرک‌های شهوانی بر واکنش دهی تناسلی موثر بود و نتایج نشان داد که زنان با مقاربت دردناک، احساسات منفی تری نسبت به گروه کنترل تجربه می‌کردند. بنابراین، ما بر این باوریم که رفتار جنسی منفعلانه خودمختاری محدودی را در زمینه ی جنسی در اختیار زنان می‌گذارد و حواسپرتی، از نشانه‌هایی است که برای عملکرد جنسی آسیب‌زا است. موارد فوق، احتمال نقش جرات ورزی و خودآگاهی جنسی را به عنوان یک متغیر اصلی و پنهان در عملکرد جنسی مطرح می‌کند و این پژوهش، به بررسی نقش جرات ورزی و خودآگاهی جنسی در پیش‌بینی عملکرد جنسی می‌پردازد.

روش

برای انجام این پژوهش که یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود، از بین مردان ۲۰ تا ۴۵ ساله ی مراکز مشاوره ی شهرستان گنبد که حداقل یک سال از زندگی مشترکشان گذشته بود

و حداقل تحصیلات دیپلم داشتند، ۱۲۰ نفر به شیوه ی در دسترس انتخاب و با مقیاس های جرات ورزی جنسی^۱، خودآگاهی جنسی^۲ و عملکرد جنسی^۳ زنان، مورد آزمون قرار گرفتند. پرسشنامه ی جرات ورزی جنسی، توسط هالبرت در سال (۱۹۹۱) به منظور سنجش میزان جرات ورزی جنسی زنان در تعامل با دیگران تدوین شد. این آزمون، ۲۵ سوال دارد و ثبات درونی شاخص جرات ورزی جنسی آن، ۰/۹۱ گزارش شده است. دامنه ی نمره گذاری آزمون از صفر تا صد است که نمره ی بالاتر، بیانگر جرات ورزی جنسی بالاتر و نمره ی پایین تر بیانگر میزان جرات ورزی جنسی پایین تر است. شفیع (۲۰۰۵) با اجرای این آزمون روی ۴۰ دانشجوی زن متاهل، ضریب آلفای مقیاس را ۰/۸۷ گزارش کرده است. همچنین، در پژوهشی که توسط بای، بهرامی، فاتحی زاده، احمدی و اعتمادی (۲۰۱۱) روی ۱۲۰ زن متاهل در گلستان صورت گرفت ضریب آلفای کرونیباخ پرسشنامه، ۰/۸۸ محاسبه شد.

مقیاس خودآگاهی جنسی که توسط ون لئک و لند، گکجن و سیکورا (۲۰۰۸) با هدف ارزیابی فرایندهای توجه، ساخته شده است، شامل دو خرده مقیاس خود تمرکزی جنسی (دارای ۶ آیتم است که به سنجش پاسخ های بدنی، افکار و احساسات در طول ارتباط جنسی با همسر می پردازد) و شرم جنسی (دارای ۶ آیتم است و به سنجش ارزیابی منفی از اطلاعات پیرامون خود ادراک شده) می پردازد. پایایی درونی این پرسشنامه، ۰/۸۵ محاسبه شده است و نمره ی آلفای کرونیباخ این پرسشنامه نیز پس از ترجمه و تایید روایی محتوایی، طی پژوهشی که توسط بای، بهرامی، فاتحی زاده، احمدی و اعتمادی (۲۰۱۱) روی ۱۲۰ زن متاهل در گلستان صورت گرفته است ۰/۷۰ محاسبه شد.

مقیاس عملکرد جنسی زنان توسط روزن، براون، هیمان، لیلام، مستون، شبسک، فرگوسن و داگوستینو (۲۰۰۰) با هدف ارزیابی عملکرد جنسی زنان ساخته شد. این مقیاس، دارای ۱۹ آیتم است و ۶ بعد اختلالات جنسی زنان شامل میل جنسی، برانگیختگی جنسی، لیزشگی واژن ارگاسم، رضایت جنسی و درد جنسی را می سنجد. اعتبار این مقیاس، از طریق پایایی بازآزمایی در پژوهش های گوناگون ۰/۷۹ تا ۰/۸۶ و نمره ی آلفای کرونیباخ آن برابر ۰/۸۲ گزارش شده است. محمدی، حیدری و فقیهی زاده (۲۰۰۸) پایایی این پرسشنامه را ۰/۷۰ و فاتحی زاده، احمدی و اعتمادی (۲۰۱۱) ۰/۹۱ گزارش کرده اند.

در این پژوهش، برای بررسی رابطه ی بین متغیرها از تحلیل رگرسیون استفاده شد و داده ها با استفاده از ویرایش ۱۶ نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها

در جدول ۱، مولفه های توصیفی جرات ورزی، خودآگاهی جنسی و عملکرد جنسی ارایه شده است.

جدول ۱: مولفه های توصیفی جرات ورزی، خودآگاهی

و عملکرد جنسی		
میانگین	انحراف معیار	
۵۴/۸۴	۱۵/۴۳	جرات ورزی جنسی
۱۶/۸۴	۷/۰۹	خودآگاهی جنسی
۷۰/۵۴	۱۲/۱۵	عملکرد جنسی

در جدول ۲، خلاصه ی مدل رگرسیون جرات ورزی، خودآگاهی و عملکرد جنسی ارایه شده است.

جدول ۲: خلاصه ی مدل رگرسیون جرات ورزی، خودآگاهی

و عملکرد جنسی				
مدل	R	R ²	R ²	p
			اصلاح شده	
۱	۰/۵۴۱	۰/۲۹۳	۰/۲۸۷	۰/۰۰۱
۲	۰/۵۹۱	۰/۳۵۰	۰/۳۳۹	۰/۰۰۲

همان گونه که مشاهده می شود، مقدار مجذور R نشان می دهد که ۳۵ درصد تغییر در نمره های عملکرد جنسی، توسط جرات ورزی و خودآگاهی جنسی تبیین می شود. با توجه به این که مقدار F محاسبه شده در مدل ۱ (۴۸/۸۸۵) در سطح آلفای ۰/۰۰۱ و در مدل ۲ (۱۰/۲۱۰) در سطح آلفای ۰/۰۰۲ معنادار است، می توان نتیجه گرفت که همبستگی بین جرات ورزی و عملکرد جنسی مثبت و معنادار و همبستگی بین خود آگاهی و عملکرد جنسی منفی و معنادار است.

جدول ۳: تحلیل واریانس معناداری کل مدل رگرسیون جرات ورزی خود آگاهی و عملکرد جنسی

مدل	استاندارد نشده		استاندارد		p
	بتا	خطای معیار	بتا	T	
ثابت	۶۰/۷۴۹	۵/۴۰۶	-	۱۱/۲۳۷	۰/۰۰۱
جرات ورزی	۰/۳۲۲	۰/۰۶۷	۰/۴۰۹	۴/۷۹۵	۰/۰۰۱
خود آگاهی	-۰/۴۶۷	۰/۱۴۶	-۰/۲۷۲	-۳/۱۹۵	۰/۰۰۲

تحلیل رگرسیون چند گانه ی گام به گام برای پیش بینی مولفه ی عملکرد جنسی بر اساس نمرات متغیر جرات ورزی و خود آگاهی جنسی در جدول ۳ ارایه شده است. با توجه به وزن های بتا متغیر مستقل جرات ورزی، دارای وزن ۰/۳۲۲ است؛ یعنی متغیر جرات ورزی دارای رابطه ی مستقیمی با متغیر وابسته است؛ از سوی دیگر، متغیر خود آگاهی، دارای وزن -۰/۴۶۷ است که به معنای برقراری رابطه ی معکوس و متوسط بین متغیر مستقل و متغیر وابسته است.

بحث و نتیجه گیری

رابطه ی جنسی، بخش مهمی از رابطه ی زوجین است. این رابطه، تحت تاثیر عوامل گوناگونی است که هر یک به نوبه ی خود روابط و مشکلات جنسی افراد را تبیین می کنند. جرات ورزی، به عنوان تفسیر شخصی در مورد نحوه ی ابراز وجود احساسات (عباسی و سینگ، ۲۰۰۶) و توانایی افراد در جهت اعمال علایق خود و ایستادگی بر آن بدون داشتن اضطراب و ابراز حقوق خود بدون زیر پا گذاشتن حقوق دیگران (تولور، کلی و استینس، ۱۹۷۶) یکی از این عوامل است. پژوهش مولنهارد و هولوپوگ (۱۹۸۰؛ از کولیک، ۲۰۰۳) نشان داد که زنان از ترس بی قید و بند به نظر رسیدن در امور جنسی یا به دلیل کنترل کردن همسرشان یا برای اثبات اقتدار جنسی و جسمی خود، از پاسخ صریح «بله» به داشتن رابطه ی جنسی با همسرشان خودداری می کنند و شاید به همین دلیل است که ۵۱ درصد از مردان و ۴۸ درصد از زنان متاهل، مردان را آغازگر رابطه جنسی می دانند (شوارتز و بلوم اشتاین، ۱۹۸۳ از شفیعی، ۱۳۸۸، ۱۳۸۲) و زنانی که جرات ورزی جنسی بالاتری دارند در فراوانی فعالیت جنسی، تعداد ارگاسم، تمایل جنسی، رضایت جنسی و زناشویی، نمره ی بالاتری کسب می کنند (اپت و هالبرت، ۱۹۹۳)؛ یعنی کارآمدی بیشتری در رابطه ی جنسی احساس می کنند.

از طرفی، ون دن هوت و بارلو (۲۰۰۰) دریافتند که یکی از فرایندهای آسیب زا در افراد ناکارآمد، فرایند توجهی و تمرکز بر نگرانی های مرتبط با عملکرد آنهاست؛ به همین دلیل سوگیری توجه، وضعیت مهمی را در ناکارآمدی جنسی ایجاد می کند و خودآگاهی جنسی (خودتمرکز جنسی و شرم) می تواند عاملی آسیب زا در پدیدآیی اختلال جنسی باشد.

در این پژوهش، ضمن بررسی جرات ورزی جنسی، خودآگاهی جنسی و عملکرد جنسی زنان دریافتیم که بین میزان جرات ورزی، خود آگاهی جنسی و عملکرد جنسی، همبستگی معناداری وجود دارد. مدل فراهم شده نیز، نشان داد که ۳۵ درصد تغییر در نمرات عملکرد جنسی توسط جرات ورزی و خودآگاهی جنسی تبیین می شود. بسیاری از محققان، بر این باورند که جرات ورزی جنسی برای دستیابی به اهداف جنسی و یک رابطه ی جنسی سالم ضروری است (هالبرت، ۱۹۹۱؛ تولمن، ۲۰۰۲، کولیک، ۲۰۰۳؛ عباسی و سینگ، ۲۰۰۶) و خود تمرکز (ویدرمن، ۲۰۰۱؛ مستون، ۲۰۰۶؛ ون لانک ولد، گیجن و سیکورا، ۲۰۰۸) نقش مهمی در عملکرد جنسی ایفا می کند.

برخی از مطالعات، حاکی از آن است که جرات ورزی، ارتباط مثبتی با شاخص های عملکرد جنسی مثل تمایل، برانگیختگی، رضایت و ارگاسم دارد (هالبرت، ۱۹۹۱؛ سانچز، کیفر و بارا، ۲۰۰۶؛ کیفر و سانچز، ۲۰۰۷؛ سانچز و همکاران، ۲۰۱۲) همچنین، تحقیق نیکلسون و بار (۲۰۰۳) از شفیع، (۲۰۰۸) در مقایسه ی زنان با توانایی ارگاسم بالا و پایین، نشان داد که زنان با ارگاسم بالا در بیان نیازها و تمایلات جنسی به زوج خود تواناترند. این زنان، قادرند رابطه ی جنسی را آغاز کنند و فعالیت جنسی را در جهت کسب آنچه که می خواهند، هدایت کنند در حالی که زنان با ارگاسم پایین نه تنها از چنین توانایی هایی برخوردار نبودند بلکه بیشتر بر ارضای جنسی زوج خود تاکید می ورزیدند. تحقیق سالامینک و ون لانک ولد (۲۰۰۶) اولین مطالعه ای است که پاسخ های جنسی به محرک های شهوانی را در سطوح متفاوتی از حواسپرتی خنثی در زنان با مشکلات جنسی و بدون مشکلات جنسی بررسی کردند. یافته ها، بیانگر آن بود که با ایجاد شرایط حواسپرتی در هر دو گروه نسبت به نبود این شرایط، میزان سطح برانگیختگی جنسی در هر دو گروه کاهش می یافت.

به طور کلی، با استناد به پژوهش های انجام شده ی پیشین و همچنین با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق بای (۲۰۰۸) مبنی بر بررسی تاثیر گروه درمانی فمینیستی بر جرات ورزی و تمایل

جنسی زنان متاهل، می توان اظهار داشت که این رویکرد، قابلیت چشمگیری در افزایش قدرت جرات ورزی جنسی زنان و به صورت موازی توان لازم جهت ارتقای تمایل جنسی آنها داشته است. با توجه به این که ناکارآمدی جنسی زنان، تاثیر فوق العاده و انکار ناپذیری روی بهزیستی کلی فرد دارد (بالون، ۲۰۰۸). در نتیجه ضرورت وجود یک طرح درمانی مناسب با توجه به متغیرهای اصلی و پنهان در عملکرد جنسی و شرایط فرهنگی در درمان ناکارآمدی جنسی زنان احساس می شود.

سپاسگزاری

پژوهشگران، از تمام زنان شرکت کننده در این تحقیق تشکر می کنند.

Reference

- Abbassi, A., & Singh, R. (2006). Assertiveness in Marital Relationships among Asian Indians in the United States. *The family journal*, 14 (4), 392-399.
- Apt, C. Hurlbert, D. F. (1993) The sexuality of women in physically abusive marriage: a comparative study. *Journal of Family Violence*, 8(1), 57-69.
- Balon, R. (2008). Introduction: New Developments in the Area of Sexual Dysfunction(s). *Advances in Psychosomatic Medicine*, 29, 1-6.
- Barker, P. *Basic family therapy*. (1985). Translated by Dehghani, M. & Dehghani, Z. Tehran: Roshd; 2003. (Persian).
- Bay F. (2008). *The effectiveness of feminist group therapy on sexual desire and assertiveness among married women* (unpublished MA/ Thesis) Tehran. Tarbiat Moallem University; (Persian)
- Brauer, M. ter Kuile, M. M., & Laan, E. (2009). Effects of appraisal of sexual stimuli on sexual arousal in women with and without superficial dyspareunia. *Archive of Sexual Behavior*, 38, 476-485.
- Dove, N. L., Wiederman, M.W. (2000) Cognitive Distraction and Women's Sexual Functioning. *Journal of sex and marital therapy*, 26, 67-78.
- Drew, J. (2003). The myth of female sexual dysfunction and its medicalization. *Sexualities, Evolution & Gender*, 5(2), 89-96.
- Hurlbert, D. F. (1991). The role of assertiveness in female sexuality: A comparative study between sexually nonassertive women. *Journal of sex and marital therapy*, 17, 183-190.
- Katz, R.C., & Jardine, D. (1999). The Relationship between worry, sexual aversion, and low sexual desire. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 23, 293-296.
- Kiefer, A. K., & Sanchez, D. T. (2007). Scripting sexual passivity: A gender role perspective. *Personal Relationships*, 14, 269-290.
- Kingsberg, SH., & Althof, S. E. (2009). Evaluation and treatment of female sexual disorders. *International Urogynecology*, 20, 33-43.
- Kulick, D. (2003). No. *Language & Communication*, 23, 139-151.
- Laurent, S. M., Simons, A. D. (2009). Sexual dysfunction in depression and anxiety conceptualizing sexual dysfunction as part of an internalizing dimension. *Clinical Psychology Review*, 29, 7, 573-585.
- Lvlyn-Jones *Oxford sexual knowledge*, (1923) 3st ed. Translated by Rahmati, B. Tehran: Noorbakhsh; (1998). (Persian)
- McCarthy, B. W. (1999). Relapse prevention strategies and techniques for inhibited sexual desire. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 25, 297-303.
- Meston, C.M. (2006). The effects of state and trait self-focused attention on sexual arousal in sexually functional and dysfunctional. *Behaviour Research and Therapy*, 44, 515-532.
- Nobre, P. J., & Pinto-Gouveia, J. (2009). Cognitive Schemas Associated with Negative Sexual Events: A Comparison of Men and Women with and Without Sexual Dysfunction. *Archive of Sexual Behavior*, 38, 842-851.

- Prause, N. Erick Janssen, E. Hetrick, W.P. (2008). Attention and Emotional Responses to Sexual Stimuli and Their Relationship to Sexual Desire. *Archive of Sexual Behavior* 37,934-949.
- Rozen, R. Brown, C. Heiman, G. Leiblum, S. Mecton, C. Shabsigh, R. Ferguson. Dagostino, R. (2000). The female sexual function index (FSFI): A multidimensional self-report instrument for the assessment of female sexual function. *Journal of sex & Marital Therapy*, 26, 191-208.
- Salamink, E., vanlankveld, J.J.D.M. (2006). The effects of increasing neutral distraction on sexual responding of women with and without sexual problems. *Archive of Sexual Behavior*, 35, 179-190.
- Sanchez, D. T., Kiefer, A., & Ybarra, O. (2006). Sexual submissiveness in women: Costs for autonomy. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 32, 512-524.
- Sanchez, D. T., Phelan, J. E., Moss-Racusin, C. A., & Good, J. J. (2012). A dyadic and motivational examination of women's sexually submissive behavior and sexual satisfaction in couples. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 38(4) 528- 539.
- Shafiee, P. .(2005) An analysis of the relationship between sexual assertiveness, desire and identity of married femals student (20-30 years) residing in dormitories of Tehran. : (unpublished MA/ Thesis), Tehran, Tarbiat Moallem University..
- Tolman, D. L. (2002). Femininity as a barrier to positive sexual health for adolescents: In Hunter A. E., & Forden C. (Eds.), *Readings in the psychology of gender: Exploring our differences and commonalities*. Boston: Allyn & Bacon, 196-206.
- Tolor, A., Kelly, B. R., & Stebbins, C. A. (1976). Assertiveness, sex-role stereotyping, and self-concept. *The journal of psychology*, 93,157-164.
- van den Hout, M. A., & Barlow, D. (2000). Attention, arousal and expectancies in anxiety and sexual disorders. *Journal of Affective Disorders*, 61, 241-256.
- Van Lankveld, J. Bergh, S. (2008). The interaction of state and trait aspects of self-focused attention affects genital, but not subjective, sexual arousal in sexually functional women. *The Behaviour Research and Therapy*; 46(4), 514-528.
- Van Lankveld, J. J. D. M., Geijen, W. E. H., Sykora, H. (2008). The Sexual Self-Consciousness Scale: Psychometric Properties. *Archive of Sexual Behavior*, 37,925-933.
- Wiederman, M.W. (2001) "Don't look now": the role of self-focus in sexual dysfunction. *The Family Journal*. 9 (2), 210-214.